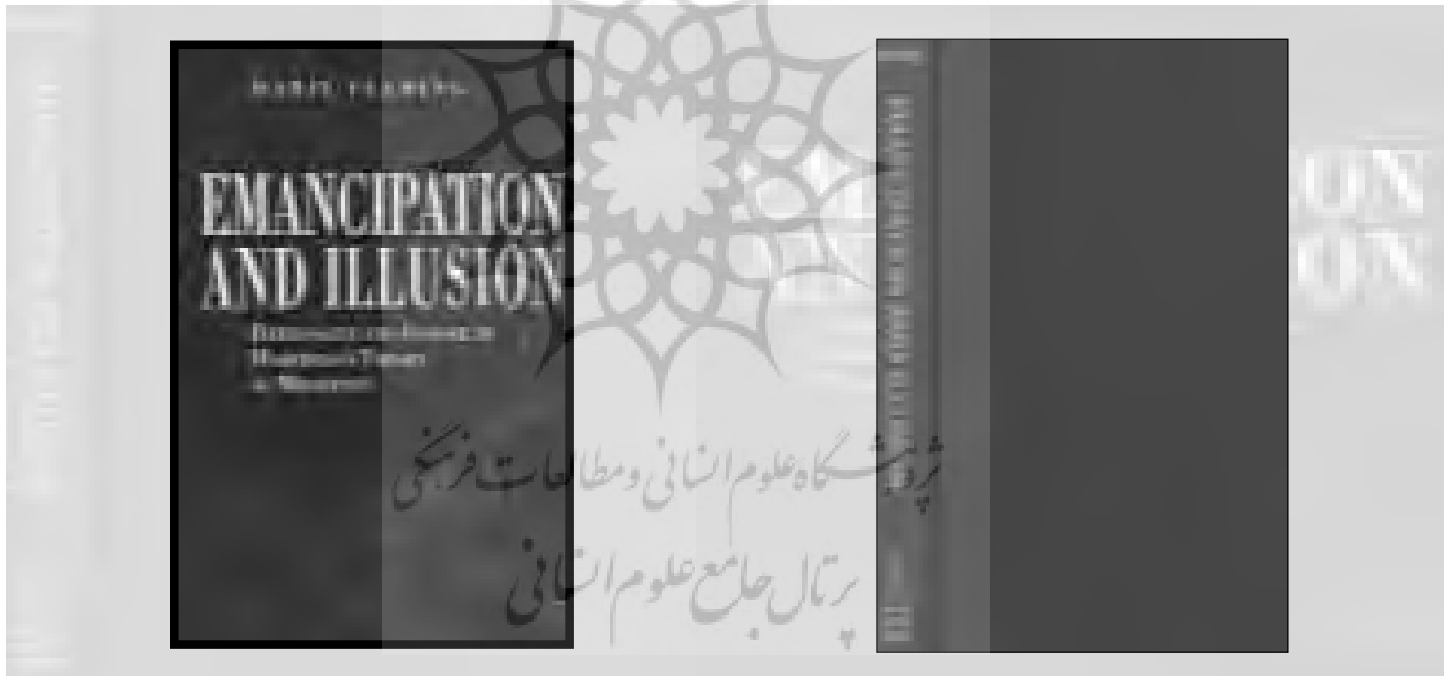


جنسیت در تئوری مدرنیته هابرماس

○ جودی دین*
مترجم: معصومه اکبرزاده لاله

○ Emancipation and Illusion: Rationality and
Gender in Habermas's theory of Modernity
○ Marie Fleming
○ University Park: Pennsylvania state
University Press
○ ۱۹۹۷



چکیده:

به نظر ماری فلمینگ، در مفهوم عقلانیت هابرماس، پیش‌داوری عمیق جنسیتی وجود دارد به گونه‌ای که تئوری هابرماس را برای فمینیست‌ها بی‌تأثیر می‌سازد. وی از هابرماس به دلیل اینکه ارزش‌های مربوط به حیات متعالی را به عنوان ارزش‌های ویژه‌ای طبقه‌بندی می‌کند که در نهایت به دلیل اینکه قابل وفاق نیستند، حذف می‌شوند، انتقاد می‌کند. همچنین او هابرماس را به دلیل سنت‌گرایی نهفته در مباحث جنسیت و نیز به دلیل عدم ارائه توصیه‌ای برای چگونگی مواجهه با مسأله حقوق اساسی زنان و کودکان مقصر می‌شمارد.

ماری فلمینگ عمومیت هابرماسی را به دلیل عدم توفیق آن در ایجاد بینشی از عدالت جنسیتی^۲ به چالش می‌کشد. برای این منظور، وی فمینیسم را برای بررسی عقلانیت هابرماس به کار می‌گیرد. استدلال وی این است که در این مفهوم پیش‌داوری عمیق جنسیتی موجود است که تئوری هابرماس را برای فمینیست‌ها بی‌تأثیر می‌سازد و به طور خلاصه، هابرماس هنوز به اندازه کافی، عام‌گرا نیست. این کتاب به جای اینکه یک بحث مستمر در مورد عمومیت یا جنسیت باشد قبل از هر چیز مجموعه‌ای خیلی مفصل و بررسی‌هایی از انواع مقالات، کتاب‌ها، مباحث و تفاسیر مربوط به هابرماس و یا توسط هابرماس است. اظهارات خود مؤلف در مورد عمومیت تجدید ساختار شده در پایان مطلب ارائه می‌شوند. در عین حال، نیمی از فصول اصلاً به جنسیت نمی‌پردازد. در بخش اول، فلمینگ مفهوم کنش ارتباطی^۳ و اصل عمومیت موجود در اصول اخلاقی گفتمان را معرفی می‌کند. وی مفهوم اول را بخاطر «روپامداری»^۴ آن و دومی را بخاطر «گزینشی بودن»^۵ آن مورد انتقاد قرار می‌دهد. «چگونه است که برخی ارزش‌ها - آن ارزش‌هایی که در ارتباط با مسایل «حیات متعالی»^۶ هستند - به عنوان «ارزش‌های ویژه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که در نهایت به دلیل اینکه قابل وفاق نیستند، کنار گذاشته می‌شوند؟» (ص ۸۰) این سؤالی عجیب و غیرعادی است. پاسخ به «چگونه» نسبتاً روشن است: در جریان گفتمان عملی، هابرماس آنچه را که



ماری فلمینگ: چگونه است که هابرماس، ارزش‌های مرتبط با حیات متعالی را به عنوان ارزش‌های ویژه‌ای طبقه‌بندی می‌کند که در نهایت به دلیل اینکه قابل وفاق نیستند، کنار گذاشته می‌شوند؟

به نظر فلمینگ مفهوم جهان زندگی به دلیل عدم ارائه بینشی از عدالت جنسیتی دارای نقص است

از نظر هابرماس، سخن از وجود یک هنجار، دقیقاً مانند این است که بگوییم آن هنجار با توافق همه حاضران در یک گفتمان عملی پدید آمده است

تحت عناوین «عدالت / اخلاقیات»^{۱۱} و «اصول اخلاقی / حیات متعالی»^{۱۲} به کار می‌رود، پیشاپیش تعیین نمی‌کند، بلکه وی طبقات را برحسب قابلیت عمومیت تعریف می‌کند. از نظر هابرماس، گفتن از وجود یک هنجار دقیقاً مثل این است که بگوییم آن [هنجار] با توافق همه حاضران در یک گفتمان عملی پدید آمده است. شاید کسی کاملاً مخالف با این تعریف باشد، اما این جایی نیست که فلمینگ انتقاد خود را وارد می‌کند. مسئله وی با موضوع «گزینش‌گری» است. نگرانی وی این است که مسایل جنسیت از قلمرو اخلاق خارج می‌شوند، و به موضوعات «ثانوی» حیات متعالی ارجاع داده می‌شوند. این موضوع طی مدت‌های مدیدی برای فمینیست‌ها مسئله بوده است. با این حال، تمایز هابرماس بین عدالت و حیات متعالی، مستلزم تلقی اخلاقی^{۱۳} از جنسیت بجای اصول اخلاق^{۱۴} نیست.

موضوعاتی مانند شمول،^{۱۵} دوسویگی،^{۱۶} برابری^{۱۷} و بازشناسی، محدودیت‌های مبتنی بر جنسیت را به چالش می‌کشند. علاوه بر این، جالب‌ترین پرسش‌ها می‌توانند موضوعاتی اخلاقی یا سیاسی باشند که قابل همگانی شدن نیستند. در واقع، مسایل ویژه مردمی که به لحاظ تاریخی در شرایط خاصی قرار گرفته‌اند، بیشتر نیاز به توجه بازاندیشانه^{۱۸} دارد تا علایق انتزاعی^{۱۹} مشارکت‌کنندگان آرمانی در گفتمانی که هرگز نمی‌تواند در واقعیت رخ دهد.

در بخش دوم کتاب، فلمینگ به جنسیت برمی‌گردد و موضوعات عمده عبارتند از تمایز هابرماس از نظام / جهان زندگی و نظر وی در مورد تحت اقتدار قرار گرفتن^{۲۰} جهان زندگی توسط دولت. فلمینگ، هابرماس را به دلیل سنت‌گرایی^{۲۱} نهفته در مباحث جنسیت و نیز به دلیل عدم ارائه «توصیه‌ای برای چگونگی برخورد با مسئله حقوق اساسی زنان و کودکان» مقصر می‌شمارد. (ص ۹۲) اگر فلمینگ سوگیری مربوط به ناهم‌جنس‌خواهی^{۲۲} هابرماس را تکرار نکرده بود و به تبعیض نژادی مدل خانواده‌هست‌های توجه نموده بود، استدلالش در مورد سنت‌گرایی قوی‌تر می‌شد.

بحث وی درباره اقتدار دولت [بر جهان زندگی] و سکوت هابرماس در مورد حقوق اساسی مبهم است: وی نه آنچه را که تحت عنوان حقوق اساسی می‌گنجد، مشخص می‌کند و نه چیزی در این باره می‌گوید که چرا باید زنان و کودکان را در اینجا به هم ربط داد. همین‌طور سؤالات دیگری نیز مطرح است: چرا وی می‌پندارد که فمینیست‌ها خواهان برابری هستند؟ برابری با چه کسی و در خصوص چه چیز؟ چرا وی انتظار دارد که هابرماس برای فمینیست‌ها توصیه‌ای ارائه کند؟ و نامعلوم‌تر اینکه، چرا فلمینگ به نوشته‌های حجیم فمینیست‌ها در موضوعات حقوق، قانون، برابری و خانواده نمی‌پردازد؟ فلمینگ، همچنین هابرماس را به علت کلی بودن زیاده از حد در پاسخ به مسئله جنسیت به صورتی متناسب، مورد نقد قرار می‌دهد. اما چرا فمینیست‌ها را به همین دلیل بررسی نمی‌کند؟ نتیجه آکراه فلمینگ از پرداختن به مباحث فمینیستی، دقیقاً تمرکز مجدد^{۲۳} بر متفکری است که بنا بود نقد شود. جالب‌ترین تحلیل کتاب شامل بحث مختصر هابرماس در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۴ در مورد ساتی،^{۲۴} آئین هندوئی سوزاندن زنان بیوه است.

فلمینگ برای بررسی الگوهای کلی‌تر مرتبط با جنسیت، فرهنگ و عقلانیت در مطالعات هابرماس مثالی را مورد استفاده قرار می‌دهد. متأسفانه، این تحلیل از نظر فقدان هرگونه پیوند با تئوری انتقادی مابعد استعمارگرایی، مباحث موجود بر روی ماهیت «ذاتی» شیوه‌های عمل خاص یک فرهنگ، و نوشته‌های فمینیست‌های هندی درباره ساتی؛ کاستی دارد. فلمینگ انتقاد خویش را محدود به این سؤال می‌کند که چرا هابرماس در بررسی موضوع بر اساس عقلانیت شکست می‌خورد، شکستی که به نظر فلمینگ مانع از پرداختن نظریه‌پرداز به «مشارکت‌کنندگان فرهنگ هندو در زمینه درک عقلانیتی است که «آنها» به طور تلویحی در آن با «ها» اشتراک دارند.» انتقاد نهایی فلمینگ این است که به دلیل عدم ارائه بینشی از عدالت جنسیتی، مفهوم جهان زندگی دارای نقص است. این ایراد وقتی معنا می‌یابد که در شکلی کلی‌تر فهمیده شود: هابرماس روابط قدرتی را که جهان زندگی را می‌سازند، در نظر نمی‌گیرد. تا آنجا که جنسیت وسیله قدرت است و در درون روابط قدرت تولید می‌شود، این غفلت معنادار است. از آنجا که روابط جنسیتی در جهان زندگی قطعاً نابرابر هستند، به طور عجیبی، شکست هابرماس در ارائه بینشی از برابری جنسیتی در جهان زندگی الفاکندۀ تصدیق و تقدیر از قدرت به جای انکار آن است.

پانویس‌ها:

- *Jodi Dean (Hobart and William smith Colleges)
- ۱- Universalism
- ۲- Gender equity
- ۳- Communication action
- ۴- Eurocentricism
- ۵- Selectivity
- ۶- Good life
- ۷- Justice / morality
- ۸- Ethics / the good life
- ۹- Ethical
- ۱۰- Moral

- ۱۱- Inclusion
- ۱۲- reciprocity
- ۱۳- Equality
- ۱۴- Reflective attention
- ۱۵- Abstract concerns
- ۱۶- Juridification
- ۱۷- Traditionalism
- ۱۸- Heterosexual
- ۱۹- Recentralization

۲۰- Suttee در آئین هندو، خودسوزی زنان هندو بر آتش جسدسوز شوهرانشان است.